



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد نبرد حماسی سیاهکل

چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل را با تشدید مبارزه علیه نظم موجود، تدارک اعتصاب سیاسی و قیام مسلحانه سراسری گرامی بداریم

چهل و نه سال از نبرد حماسی رفقای ما در سیاهکل گذشت. رزمندگان جسور و بی‌باک و رفقای قهرمانی که با آرمان‌های سرخ کارگری پرچم مبارزه آشتی ناپذیر علیه نظم سرمایه‌داری و رژیم سلطنتی را در ۱۹ بهمن سال ۴۹ به اهتزاز درآوردند و با شلیک گلوله‌های آتش و آگاهی، رکود و رخوت سیاسی حاکم بر جامعه را درهم شکستند. نیم قرن پیش، زمانی که غرشی رعد آسا از جنگل‌های شمال در سیاهکل برخاست، در تمام پهنه کشور طنین انداز شد و جنبش کارگری-کمونیستی را از زیر آوار شکست و بن بست که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بدان دچار گشته بود، خارج ساخت. پانزده ستاره خونین، "دست درآورد گه رزم عظیم" پانزده دُر درخشان در آن تاریکی، "خونشان رنگ خروش"، "خونشان جلوه دل‌های امید"، "ریخت از پنجه ضحاک زمان بر سر خاک". آن پانزده رفیق قهرمان، آن پانزده گل سرخ پرپر شده در باد، آگاه از راه بی‌بازگشتی که در آن گام نهاده اند، جان خود را وثیقه آرمان‌های سوسیالیستی و نام خویش را جاودانه ساختند.

نوزده بهمن، روز نبرد حماسی سیاهکل و روز بنیان‌گذاری سازمان را امسال در شرایطی پاس می‌داریم که رژیم جمهوری اسلامی در چنگال بحران‌های متعدد اقتصادی، مالی و اجتماعی دست و پا می‌زند و افزون بر آن، یک بحران ژرف سیاسی تمام جامعه را فراگرفته است.

تمام بخش‌های اقتصادی را رکود فراگرفته و بحران رکود-تورمی پیوسته ژرف‌تر و حادث‌تر شده است. این بحران عواقب وخیمی برای کارگران و عموم زحمت‌کشان در پی داشته است. گرانی و تورم افسارگسیخته، اکثریت بزرگ جامعه را به ورطه فقر و گرسنگی سوق داده است. دستمزد‌های ناچیز ماهانه، تنها هزینه یک هفته را پوشش می‌دهند. بیش از ده میلیون نفر از جمله صدها هزارتن از جوانان، زنان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکارند. بیش از هشتاد درصد مردم به زندگی در زیر خط فقر رانده شده‌اند. فقر، بیکاری، تن فروشی، دزدی، اعتیاد و سایر مصائب اجتماعی بیش از پیش افزایش یافته است. بحران مالی رژیم نیز فوق‌العاده تشدید شده است. ثروت‌های جامعه و دست‌رنج کارگران، در راه سیاست‌های توسعه طلبانه و پان‌اسلامیستی رژیم به باد داده شده و صرف اسلام‌گرایان شیعی در سوریه، لبنان، یمن و عراق شده است. درآمد حاصل از فروش نفت به حداقل خود رسیده، خزانه دولت خالیست و حقوق بگیران روز به روز با مشکلات بیشتری مواجه شده‌اند. تمام تلاش‌ها و راه‌های طبقه حاکم برای غلبه بر بحران‌های علاج ناپذیر نظم موجود، با شکست و ناکامی روبرو شده است. درحالی‌که یک اقلیت کم‌شمار انگل و استثمارگر در ناز و نعمت زندگی می‌کنند، اکثریت بزرگ جامعه در فقر و نداری و گرسنگی کشنده ای به‌سرمی‌برند. تضاد‌های طبقاتی و کشمکش میان طبقه حاکم و کارگران و عموم تهی‌دستان و استثمار شدگان به مرحله ستیز و برخورد‌های حاد علنی و آشکار فراروئیده است.

در عرصه سیاسی، اوضاع از این هم وخیم‌تر است. سیاست‌های خارجی رژیم چه در ارتباط با آمریکا و اروپا و چه سیاست‌های توسعه طلبانه و مداخله جویانه آن در کشورهای منطقه مانند لبنان و سوریه و یمن و عراق، همه جا با ناکامی و شکست قطعی روبرو شده است. بار هزینه‌های سنگین و عواقب این سیاست‌ها نیز بر دوش کارگران و زحمت‌کشان بوده است.

در زمینه سیاست‌های داخلی، اوضاع از این هم وخیم‌تر و بحرانی‌تر است. تمام سیاست‌های رژیم و جناح‌های حکومتی در این زمینه باشکست روبرو شده است. اعتماد مردم از رژیم به کلی سلب شده است. ورشکستگی رژیم روز به روز بیشتر و آشکار تر شده است. این ورشکستگی، به بارزترین شکلی خود را در فساد فراگیری به نمایش گذاشته که تمام دستگاه دولتی و طبقه حاکم را فراگرفته و پوسیدگی و گندیدگی نظم حاکم را برملا نموده است. تمام جامعه به تلاطم و جنب و جوش درآمده و توده‌های مردم زحمتکش برای تعیین تکلیف قطعی با طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن به مبارزه علنی توده‌ای روی آورده‌اند.

از خیزش بزرگ دی‌ماه ۹۶ که نقطه پایانی بر یک دوره رکود سیاسی بود و سرآغاز یک دوره انقلابی شد، مبارزات سیاسی توده ای تا به امروز ادامه یافته و پیوسته رادیکال‌تر و فراگیرتر شده است. خیزش دی‌ماه که بیش از صد شهر را دربرگرفت، شعار نان کار آزادی را به پرچم خویش تبدیل کرد. ارتجاع حاکم علیه مردم به‌پا خاسته به قهر و سرکوب و وحشی‌گری متوسل شد. ده‌ها تن کشته و بیش از ۵ هزار تن بازداشت و زندانی شدند. اما سرکوب و زندان و وحشی‌گری، بر بستر بحران ژرف سیاسی که روز به روز عمیق‌تر و حادثه‌تر شده است، نمی‌توانست سدی در برابر امواج پی‌درپی مبارزات کارگران و زحمت‌کشان و عموم تهیدستان که در ابعاد توده ای وارد میدان مبارزه سیاسی شده‌اند ایجاد کند. تابستان ۹۷ اعتراضات توده ای و خیابانی چندین شهر را دربرگرفت و پائیز همان سال اعتصابات بزرگی در چندین کارخانه همراه با تظاهرات خیابانی شکل گرفت. پرچم شوراها به اهتزاز درآمد و شعار نان کار آزادی با شعار اداره شورائی تکمیل شد. برای نخستین بار بدیل کارگران برای نظم موجود، نظم شورائی اعلام گردید. پی‌آمد آن نیز یک رشته تظاهرات توده ای در خوزستان، اعتصابات سیاسی در کردستان و تجمعات و اعتصابات و راه پیمائی‌های مکرر کارگران، معلمان، بازنشستگان، رانندگان کامیون و دانشجویان بوده است که تا آبان ۹۸ ادامه یافت.

قیام سراسری آبان اما جامعه را وارد فاز کاملاً جدیدی ساخت که نه فقط در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، بلکه در دوره انقلابی که آغاز آن در دی‌ماه ۹۶ رقم خورد نیز سابقه نداشت. صدها هزار تن از مردم زحمتکش و تنگ‌دست، جوانان، زنان، بیکاران و عموم تهیدستان جامعه در بیش از صد شهر و تقریباً در تمام استان‌های کشور علیه نظم حاکم به‌پا خاستند و با تجمعات، تظاهرات، ایجاد راه‌بندان و سنگر بندی خیابانی بامزدوران سرکوب‌گر رژیم درگیر شدند. قیام‌کنندگان در سراسر کشور، مراکز ستم و سرکوب رژیم را مورد حمله قرار دادند، بسیاری از بانک‌ها، پایگاه‌های بسیج، سپاه، کلانتری‌ها و "حوزه‌های علمیه" و دستگاه فریب و تحمیق روحانیت، وسایل نقلیه نیروهای نظامی و انتظامی را به آتش کشیدند و انزجار عمیق خود از دولت دینی و نظام سرمایه‌داری حاکم و همچنین نفرت خویش از نهاد‌های حافظ مناسبات سرمایه‌داری را به نمایش گذاشتند.

قیام آبان ماه یک نقطه عطف مهم و یک تحول کیفی را در روند تحول اوضاع جامعه و بحران ژرف سیاسی رقم زد. با قیام آبان، جامعه و تلاطمات سیاسی آن وارد مرحله کیفی نوینی شد. این قیام روحیه تعرضی توده‌های مردم، اتخاذ تاکتیک‌ها و اشکال رادیکال مبارزه، آمادگی آن‌ها برای روی آوردن به اعتصاب عمومی سیاسی، قیام مسلحانه و براندازی رژیم جمهوری اسلامی و عزم و اراده آن‌ها برای تعیین تکلیف نهائی با نظم حاکم را به نمایش گذاشت. قیام آبان به روشنی جسارت و بی‌باکی توده‌های مردم زحمتکش و تهی‌دست جامعه در برابر ماشین سرکوب و آمادگی آن‌ها را برای فداکاری و از خود گذشته‌گی به نمایش گذاشت. توفان خشم و نارضایتی تراکم یافته صد‌ها هزار تن از مردم، شهرها و خیابان‌ها را درنوردید و ارتجاع حاکم را در مقیاس سراسری به چالش جدی کشید. قیام آبان نشان داد که توده‌های مردم ایران دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند نظم موجود را تحمل کنند و برای براندازی آن حاضرند از جان خویش نیز بگذرند.

خامنه‌ای قیام‌کنندگان را "اشرار" خواند و فرمان قتل آن‌ها را صادر کرد. جوی خون به‌راه افتاد و پس از پنج روز، قیام‌کنندگان در خون خویش غرق شدند. ۵۰۰ تن کشته و بیش از ده هزار تن بازداشت و زندانی شدند.

طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن بر این خیال بوده است که با کشتار و وحشی‌گری می‌تواند اوضاع را آرام کند و خود را از مهلکه نجات دهد. اما هنوز خون سرخ قیام‌کنندگان بر سنگ‌فرش خیابان‌ها خشک نشده بود که پرچم مبارزه و دفاع بی‌باکانه از قیام و اهداف آن در دانشگاه به اهتزاز درآمد. جنبش چپ رادیکال و سوسیالیستی دانشجویی قامت برافراشت و روز دانشجو را به روز مبارزه علیه نظم حاکم و دفاع از کارگران و استثمارشدگان تبدیل کرد. به رغم سرکوب و بازداشت گسترده دانشجویان اما این پرچم یک هفته در اهتزاز بود. بحران انقلابی و بحران سیاسی ژرفی که تمام جامعه را به تلاطم انداخته است، زادگاه خیزش‌های پی‌درپی و قیام‌ها و امواج مبارزه رادیکال توده‌های است و با سرکوب نمی‌توان مانع بروز آن شد. امواج مبارزه رادیکال و توده‌ای یکی پس از دیگری از راه می‌رسند و ضربات کوبنده‌ای بر پیکر نظم موجود وارد می‌سازند.

رژیم ارتجاعی و سرکوب‌گر حاکم و سران جنایتکار آن بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی، با راه‌اندازی نعش‌کشی و تعزیه‌گردانی و به میدان کشیدن جیره‌خواران خویش تلاش کردند فضای جامعه پس از قیام و خواسته‌های آن را به سمت دیگری منحرف سازند. اما در پی سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی، دروغ‌گوئی و مخفی‌ساختن علت اصلی سقوط و سرانجام اعتراف به شلیک موشک توسط پدافند سپاه که به کشته شدن ۱۷۶ نفر منجر شد، موج بلند دیگری از تجمعات اعتراضی و تظاهرات خیابانی برخاست. این تجمعات و اعتراضات اگرچه نخست در دانشگاه نطفه بست اما به سرعت به بیرون از دانشگاه تسری یافت و چندین شهر را دربرگرفت. دانشجویان و توده‌های زحمتکش مردم با خواسته‌ها و شعارهای رادیکال‌تر و جدیدتری به میدان آمدند. "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، "اصلاحات، رفراندم رمز فریب مردم"، تأکید بر بیکار در کف خیابان و تأکید ویژه بر اعتصاب و انقلاب، از جمله ویژگی‌های مهم این موج مبارزه بود که بار دیگر نیاز جامعه به یک دگرگونی و تحول انقلابی را بازتاب می‌داد.

خیزش دی‌ماه ۹۶، رویدادهای سیاسی، اعتراضات خیابانی و تمام اعتصابات‌ها، تجمع‌ها و تظاهرات توده‌ای بعد از آن به‌ویژه قیام سراسری آبان ۹۸ نشان داد که جامعه در تب و تاب یک تحول و دگرگونی و در تب و تاب یک انقلاب می‌سوزد و آماده است تا با هر جرعه‌ای به اشتعال و انفجار کشیده شود. توده‌های فقیر و زحمتکش استثمارشده که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند، مترصدند از پی هر رویداد بیشتر یا کمتر مهم سیاسی و اجتماعی، به‌پا خیزند و به حاکمیت چهل ساله ارتجاع

اسلامی پایان دهند و به این تحول ضروری و گریزناپذیر جامه عمل پوشند. طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن نیز به پایان خط رسیده و از مدت ها پیش نشان داده است که دیگر نمی تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. تمام سیاست های این طبقه برای حک و اصلاح نظم موجود با شکست روبرو شده و اصلاح و تغییر در چارچوب این نظم، به کلی ناممکن شده است. رژیم در بن بستی مرگبار گرفتار آمده است. فساد دستگاه دولتی، پوسیدگی و گندیدگی نظم موجود بر همهگان آشکار شده است. هیچ راه نجاتی برای رهائی رژیم از بن بست و بحران های گوناگونی که بدان گرفتار آمده وجود ندارد.

تردیدی نیست که ارتجاع حاکم برای مقابله با کارگران و زحمتکشان و عموم تهیدستان معترض و ناراضی و برای درهم کوفتن هر برآمد و قیام توده ای به سرکوب بیشتر متوسل خواهد شد. قیام آبان و وحشی گری نیروهای سرکوب علیه قیام کنندگان به مردم آموخت که در نبردهای آتی بایستی با اشکال مبارزاتی پیشرفته تر، آمادگی بیشتر و نیروی وسیع تری به مقابله با رژیم برخیزند. تنها گسترش اعتصابات و برپائی اعتصابات اقتصادی و سیاسی گسترده فرا واحدی و سراسری است که می تواند نیروی کمی و کیفی بیشتری را به میدان بکشد، کارگران و زحمتکشان را در مقیاس وسیع و همگانی برای سرنگونی رژیم بسیج کند، نیروی سرکوب رژیم را فلج سازد و راه را برای اعتصاب عمومی سیاسی سراسری هموار کند. اگرچه وقوع این اعتصاب، بر بستر بحران سیاسی ژرف و مبارزات توده ای گسترش یافته، مستقل از اراده و آگاهی نیروهای درگیر در آن قطعی است و این از منطق مبارزه طبقاتی در یک دوره انقلابی نشأت می گیرد، اما نمی توان و نباید فقط به انتظار آن نشست بلکه می توان و باید روند برپائی آن را تسریع کرد. این وظیفه بر عهده طبقه کارگر و بخش پیشرو و آگاه این طبقه است. کارگران پیشرو، فعالان آگاه کارگری و بخش متشکل تر کارگران باید در درون کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی کمیته های اعتصاب را سازمان دهند و با ایجاد ارتباط تنگاتنگ و سازماندهی کمیته ها و شوراهای هماهنگی، سازماندهی اعتصابات هماهنگ شده را در دستور کار خویش قرار دهند و به تسریع برپائی اعتصاب عمومی سیاسی یاری رسانند.

قیام خونین آبان، وحشی گری و کشتار بیرحمانه قیام کنندگان توسط نیروهای مسلح رژیم، این واقعیت را نیز آشکار ساخت که بادیست خالی نمی توان با یک رژیم جلا د سر تا پای مسلح مبارزه کرد. از این رو تدارک نظامی قیام مسلحانه نه فقط ضروری بلکه اجتناب ناپذیر است. در برابر ما و همه کارگران و زحمتکشان هیچ راه دیگری وجود ندارد جز این که رژیم جمهوری اسلامی را با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه براندازیم و یک حکومت شورائی و کارگری را مستقر سازیم.

در چهل و نهمین سالگرد ۱۹ بهمن ۴۹، روز بنیان گذاری سازمان، بار دیگر با رفقائی که نبرد حماسی سپاهک را آفریدند و همه رفقای فدایی که در راه آرمان های سرخ کارگری مبارزه نموده و جان فشاندند، پیمان می بندیم که تا تحقق کامل اهداف و آرمان های سوسیالیستی مان، به مبارزه ادامه دهیم.

گرامی باد چهل و نهمین سالگرد نبرد حماسی سپاهک
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورائی
زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان(اقلیت)
بهمن ۱۳۹۸

کار، نان، آزادی – حکومت شورایی